

جامعه مدنی در جهان اسلام

عظیم نانجی

(مدیر مؤسسه تحقیقات اسماعیلی)

(چشم‌اندازهای معاصر)

۳۹۹

قرار است ماه آینده کتاب «جامعه مدنی در جهان اسلام» گردآوری دکتر امین ساجو با ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای از سوی نشر و پژوهش فرزاد روز در ۴۱۶ صفحه منتشر شود.

در این مجموعه مقالاتی از محمد ارغوان تحت عنوان «جای جامعه مدنی در بافت‌های اسلامی» و مقالات دیگری از عزیز اسماعیل، زیبا میرحسینی، الیون روا، شیرین اکینر، تایر فارادف، امین ب ساجو و ارسین کالای چیو غلو آمده است. مقدمه کتاب بقلم عظیم نانجی است که در اینجا نقل می‌کنیم.

مراحل متحول آنچه در روزگار ما جهانگیری خوانده می‌شود در پهنه جهان به صور مختلف احساس و دریافت می‌شود. جوامع اسلامی به طور روزافزون به پرس و جو در این امر پرداخته‌اند که کمال مطلوب‌های جامعه مدنی از لحاظ فرهنگی، دینی و اجتماعی، در وضعیت‌های متغایر جامعه خود آنها چه معنی می‌دهد. توجه و علاقه مسلمانان به مسائل مربوط به جامعه مدنی تا حدی منعکس‌کننده فقدان محسوس نهادهای پای بر جایی است که به نیازهای فوق‌العاده مبرم برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر و نداری، و حکومت مناسب، پاسخگو باشند.

مقالاتی که در این کتاب آمده است درباره بسیاری مسائلی که امروز جهان اسلامی را در پویه تعیین صورت و جوهر جامعه مدنی درگیر خود کرده است، چشم‌اندازهایی عرضه می‌دارد. البته

در تفکر و رویه و عمل اسلامی، تاریخ پر طول و تفصیلی از بحثها و مشاجرات درباره درونه اخلاقی جامعه و جلوه‌های متغایر آن در حکومت شرعی و سیاسی وجود دارد. فیلسوفان مسلمانی چون فارابی (فت ۹۵۰ م) و اخوان الصفا (اواخر قرن چهارم/دهم) به تفصیل درباره مسئله‌ای که خیلی پیشتر به وسیله افلاطون مطرح شده بود، یعنی ماهیت یک «جامعه خوب»^۱ بحث کرده‌اند. این فیلسوفان بعداً بر پایه میراث‌های افلاطونی و ارسطویی بر ضرورت «جامعه» و «اخلاق» تأکید نهادند تا آنچه را به نظر آنها چارچوبی می‌آمد که فرد می‌توانست در قالب آن به جستجوی فضیلت پردازد و فرهنگ تعادل و تعالی را در جامعه بیافریند، منعکس سازند. آنها بر وجوب خیر بزرگتر برای همه به عنوان یک الزام اخلاقی که شامل حال هم دولت و هم شهروندان می‌شود حجت می‌آوردند، و معتقد بودند که در دولت و حکومت اسلامی وابسته بودن به یکدیگر و داشتن اقتدار واقعی است که فرد و دولت در آن شریک هستند. این سنت فلسفی نه فقط مسائلی کلی را باعث آمد که اهمیت عقلانی داشتند بلکه برای جوامع اسلامی آن روزگار در عمل پویایی برای سازواری دادن میان چند روند از اندیشه‌گری را که گرایشهای عقلانی، شرعی، کلامی و اجتماعی را به هم ربط می‌دادند به وجود آوردند.

مؤسسه تحقیقاتی اسماعیلی با حال و هوای همان سنت رایزنی و مشورت‌طلبی در سال تحصیلی ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ میلادی از عده‌ای از محققان برجسته و سرآمد دعوت کرد که اندیشه جامعه مدنی را در بافتها و زمینه‌های جوامع مختلف اسلامی به صورت تطبیقی به بحث گیرند. اخیراً مؤسسه به کوششهای خود برای استفاده از فرصتهای جدیدی که برای همکاریهای دانشگاهی و فعالیتهای آموزشی در آسیای میانه پدید آمده است، سرعت بخشیده است. مؤسسه بر پایه علائق همیشگی و مستمر خود به امر توسعه در جوامع اسلامی در آسیا، افریقا، اروپا و امریکای شمالی و هماهنگ با ترکیب متنوع و متکثر دانشجویان و هیئت‌های علمی خود، در پی آن است که گفتگو درباره اینکه چگونه باید ارزشهای جامعه مدنی را در مدنظر آورد که علائق و گرایشهای بزرگتر را با شناخت و احترام به معتقدات، نهادها، و رویه‌های موروث سازواری دهد، ادامه دهد.

نویسندگان این مقالات در همان حال که شرایط و زمینه‌های اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند سعی کرده‌اند که از یکدست کردن و به کار گرفتن نظریات تقلیلی درباره اسلام و اثرات آن بر جمع جوامع اسلامی پرهیز کنند. مقدار زیادی از ساده‌کردنهایی که درباره اسلام در رسانه‌های عمومی و در بعضی از نوشته‌های دانشگاهی صورت گرفته است، این واقعیت را نادیده گرفته‌اند

۱ - مراد مؤلف «مدینه فاضله» افلاطون و فارابی است. - م

جامعه مدنی در جهان اسلام
چشم‌اندازهای معاصر

دکتر امین ب. ساجو
دکتر فریدون بدره‌ای

تهران ۱۳۸۶

۴۰۱

که صفت و خصلت تکثرگرایی را در جوامع اسلامی باید به عنوان مقدمه‌ای در تجزیه و تحلیل مسائل جامعه مدنی، جدی گرفت و در مدنظر داشت. نقش فرهنگ نیز به همین نحو دست کم گرفته شده است، و آن را به مثابه یک چشم‌انداز یا چیزی کلیشه‌ای و تکراری پنداشته‌اند؛ و باز، تعامل و میانکنشی فرهنگها در درون جوامع اسلامی، چنانکه آسیای میانه معاصر نشان می‌دهد (و همچنین در جاهای دیگر در جنوب و جنوب شرقی آسیا) اغلب به خاطر تعاریف کلامی و قشری کوتاه‌اندیشانه از اسلام به غفلت سپرده شده است. در نتیجه، بعضی از صفات و سجایای جوامع اسلامی به غلط چنان پنداشته شده‌اند که پذیرای جامعه مدنی یا ساختار فرهنگهای مدنی نیستند. سنن مذهبی اغلب در تاریخ جهان بیانی افراطی پیدا کرده‌اند، و جوامع مسلمانان از این قاعده مستثنی نیست. با این همه شواهد فراوان از تعالیم، اندیشه‌ها و تجربه‌های اسلامی وجود دارد که امکان هدایت اخلاقی و به وجود آوردن نهادهایی را در پشتیبانی و حمایت از یک جامعه خوب، میسر ساخته است.

و اینکه تاریخ بیشتر تمدنهای اسلامی سرشار از حساسیت عمیق مدنی است. نظریات اخلاقی به صورت الزامات شرعی، و نیز از جنبه فرهنگی و عقلانی به صورت تعهدات شخصی، اجتماعی و حتی بوم‌شناختی ابراز شده است. توشیهیکو ایزوتسو در پژوهش پیشتاز خود درباره مفاهیم اخلاقی در قرآن توجه محققان را به تغییر مهمی که در الگوها و سرمشقهای

اخلاقی در جامعهٔ اعراب در هنگام ظهور اسلام رخ داده جلب کرده است. زنده یاد فضل الرحمن، محقق معروف دانشگاه شیکاگو در زمینهٔ اندیشه‌های اسلامی و متفکر مدرنیست مسلمان، نیز تحقیق ایزوتسو را بسط داد، و چنین حجت آورد که جامعهٔ اولیهٔ مسلمانان توجه عقلانی و اخلاقی شدیدی به اصلاحات اجتماعی داشت - و این تعمد در اصلاحات را چنان بر اندیشیده بود که تعهد شدید و استوار به گفتگوی کثرت‌گرایانه را تشجیع می‌کرد. مسلماً، عناصر توانبخش آن‌انگیزه‌ها و گرایشهای تاریخی به حد کافی روشن هستند. اندیشهٔ امت در قرآن مفهوم یک نظم اخلاقی را بیان می‌کند که از طریق یک «جامعهٔ بهینه» (امهٔ وسطاً - بقره، آیهٔ ۱۴۳) تحقق می‌یابد، نظمی که مسلمانان در سراسر تاریخ آن را به عنوان هستهٔ رسالت حضرت محمد (ص) در پدید آوردن جامعه نگریسته‌اند. در چنین جامعهٔ کمال مطلوبی، افراد عاملانی تصور می‌شوند که با اخلاقی مبتنی بر اعتقاد راسخ عقلی و شخصی خود به آن مایه می‌دهند. نقش پاسدارانه و متولیانۀ جامعه و فرد بر چشم‌اندازی قرار گرفته بود که این مدینهٔ کمال مطلوب را نه تنها مربوط به افراد خود بلکه مربوط به نسلهای آینده می‌دانست. انعکاس نهادینه‌ای این نگرش انسان دوستی و احسان سازمان یافته از طریق وقف بود، یعنی تولیت خیرات و میراثی بود که به وسیلهٔ افراد اعطا می‌شد تا ترجمان اخلاقیات بخشش به صورت یک بنیاد دائمی و پا بر جا باشد.

۴۰۲

چنین استدلال می‌شود که اخلاق با ارزشها سر و کار دارد، و از این رو هر کس به کار خوب، یا بد، درست یا نادرست می‌اندیشد خود آگاه یا ناخودآگاه درگیر اخلاقیات شده است. در روزگاری که فرهنگها در هم می‌آمیزند، و کارهای جهان ناسازگاری و ناهماهنگی پیدا می‌کنند، تمایلات و معتقدات اخلاقی به عنوان سنگ شالودهٔ شهروندی کامل، نمایان تر می‌شوند و صورت جهانی می‌یابند. رابرت پوتنام در جدیدترین کتاب خود به نام بولینگ بازی کردن به تنهایی از رواج تمایلات غیر مدنی در جامعهٔ امروز مغرب زمین ناله سر می‌دهد که افراد به فضاهاى شخصی و خصوصی خود خزیده و جامعه را به فراموشی سپرده‌اند. چشم‌اندازهای اشتراک‌گرایانه بر آن است که بهترین شالوده برای جامعهٔ مدنی مجموعهٔ مشترکی از ارزشهاست که مقوم آنها تعلیم و تربیتی باشد که پایه در نهادهای عمومی و مدنی استوار داشته باشد، و آن ارزشها در یک قالب، کثرت‌گرایانه جا افتاده باشند. آیا جوامع مسلمانان که بر اساس قالبی موروث از کثرت‌گرایی اخلاقی و تعهد اجتماعی بنیان یافته‌اند می‌توانند این ارزشها را با الگوهایی از حکومت که در پویۀ دست یافتن به یک نظم اخلاقی برای خودشان و دیگران که در میان آنها زندگی می‌کنند هستند، آشتی دهند و همساز کنند؟